

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۲۱۴-۱۹۷

## رهیافتی به مؤلفه های هویت دینی زن مسلمان با تاکید بر سیره فاطمی (س)

<sup>۱</sup> لیلا وطن خواه<sup>۲</sup> محمدمهدی علیمردی<sup>۳</sup> حسین عبدالمحمدی<sup>۴</sup> مهرباب صادق نیا

### چکیده

از مهم‌ترین چالش‌های عصر حاضر که بر زندگی طیف وسیعی از مسلمانان سایه افکنده است، فاصله گرفتن از هویت دینی و نفوذ فرهنگ مدرگرایی است؛ چیزی که ارکان زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی آنان را متزلزل کرده است. رفع این چالش، فقط از طریق بازتعریف و شناخت هویت اسلامی در قالب ارائه‌ی الگوی عینی، میسر است.

مقاله‌ی حاضر در راستای رسیدن به این هدف، «هویت دینی زن مسلمان» را از منظر قرآن کریم و با روش توصیفی و تحلیلی، بررسی کرده است. در این راستا، چند مؤلفه‌ی اساسی برای شناخت و تحلیل هویت زن مسلمان مورد توجه قرار گرفته است. مؤلفه‌ی اول، شناخت هویت زن در «جاهلیت اولی» و مؤلفه‌ی دوم، شناخت هویت زن و دوری از آن در جاهلیت «پسا اولی» است که ممکن است در هر عصری وجود داشته باشد و امروزه از آن، به «جاهلیت مدرن» تعبیر می‌شود. مؤلفه‌ی سوم، شناخت هویت زن در «اسلام» براساس مبانی نظری اسلام و مؤلفه‌ی چهارم، تعیین مصداق شاخص «زن کامل مسلمان»، برای الگوگیری است.

براین اساس، مهم‌ترین یافته‌های که این پژوهش به آنها دست‌یازیده است، عبارتند از: «شکل‌گیری هویت زن در جاهلیت اولی براساس فقدان حقوق انسانی و نگاه ابزاری»، «شکل‌گیری هویت زن در جاهلیت مدرن براساس کالاشدگی در قالب نظریه‌های علمی»، و «تشخص و هویت‌یابی زن مسلمان برپایه‌ی کرامت، حقوق و ارزش‌های انسانی، و حفظ حریم شخصی و شخصیتی».

### واژگان کلیدی

هویت زن مسلمان، قرآن کریم، سیره فاطمی، جاهلیت اولی، جاهلیت مدرن.

۱. دانش پژوه دکترای مطالعات زنان و خانواده دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: fkbvanovan@gmail.com

۲. دانشیار و عضو هیات علمی دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران.

Email: alim536@outlook.com

۳. دانشیار و عضو هیات علمی جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

Email: Hoseinmohmmadi31@yahoo.com

۴. استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران.

Email: Sadeghnia@urd.ac.ir

پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۳/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۲۱

## طرح مسأله

امروزه یکی از چالش‌های بزرگ در جوامع اسلامی، تقلیدهای ناآگاهانه از سبک‌های مختلف زندگی در جوامع دیگر است که با معیارهای دین اسلام و سبک زندگی اسلامی، فاصله و حتی زاویه دارند. اغلب مسلمانان چه در رفتارهای فردی مانند نوع آرایش و لباس پوشیدن، چه در رفتارهای خانوادگی مانند انتخاب همسر، تعیین مهریه، تأمین جهاز و نیازهای زندگی، نوع برخورد و تعامل زن و شوهر و... و چه در رفتارهای اجتماعی مانند شیوه‌ی دوست‌یابی، ارتباط‌های کلامی و دادوستدهای اجتماعی و... از الگوهای پیروی می‌کنند که با آموزه‌های دین اسلام، در تعارض آشکار قرار دارند. همین امر ناهنجاری‌هایی را در جوامع اسلامی به وجود آورده است که نشان از خودباختگی فرد مسلمان از هویت دینی و جذب‌شدگی در هویت بیگانه دارد. این درحالی است که «هویت اسلامی» فرد مسلمان فقط در چارچوب آموزه‌های اسلامی قابل تعریف است و هر فردی که در رفتارهای فردی، خانوادگی و اجتماعی خود از این آموزه‌ها فاصله گیرد، در واقع از هویت دینی و اسلامی خود فاصله گرفته است؛ زیرا تفرّد، تشخیص و تمایز فرد مسلمان از غیر مسلمان فقط در قالب شعار قابل تحقق یافتن نیست، بلکه رفتارها معیار اصلی تشخیص فرد مسلمان به‌شمار می‌آید.

تنها راه برون‌رفت از این چالش بزرگ، بازگشت به «هویت اسلامی» خود در عمل و رفتار است. دست‌یابی به این مهم زمانی حاصل می‌شود که در گام نخست، شناخت درست از هویت دینی خود داشته باشیم و در گام بعدی، الگو و نمونه و مصداق عینی را به عنوان معیار شاخص و الگوگیری، تعیین کنیم. شناخت درست از هویت اسلامی زمانی شکل می‌گیرد که هویت‌های بیگانه را - که با ظواهر فریبنده در رفتارهای ما نفوذ کرده و با تقلید ناآگاهانه ما را به دنبال خود کشانده است - بشناسیم، تا بتوانیم با مقایسه‌ی هویت اسلامی با آن هویت‌ها، امتیازات و اعتلای هویت اسلامی را کشف کنیم.

باری، این تحقیق، به اقتضای وسع و ظرفیت خود، در نظر دارد «هویت دینی زن مسلمان» را در مدار قرآن و آموزه‌های دینی تبیین نموده و مصداق عینی که هویت زن مسلمان در قامت او تبلور یافته باشد، معرفی کند. چارچوب نظری این پژوهش برگرفته از الگوی قرآنی است که چارچوب مشخصی را در جهت تبیین هویت زن مسلمان و معرفی الگوی عینی، در پیش گرفته است. قرآن کریم برای طرح این بحث، چند مؤلفه را به عنوان مکمل همدیگر، در کنار هم قرار داده است؛ مؤلفه‌ی اول، شناخت هویت زن در عصر جاهلیت پیش از اسلام است که در تعبیر قرآن «جاهلیت اولی» (احزاب: ۳۳) آمده است. مؤلفه‌ی دوم، شناخت جاهلیتی است که در هر دوره ممکن است وجود داشته باشد و مسلمانان موظف هستند این رفتارهای جاهلی را بشناسند و

از آن‌ها دوری کنند. تعبیر «جاهلیت اولی» به روشنی از جاهلیت‌های دیگر خبر می‌دهد که ممکن است مسلمانان در هر عصری با آنها مواجه باشند. در عصر حاضر، از این جاهلیت تعبیر به «جاهلیت مدرن» شده است که امروزه در قالب‌های «مدگرایی» جلوه‌نمایی می‌کند. براساس این مؤلفه، شناخت «هویت زن در جاهلیت مدرن» به منظور دوری از آسیب‌های آن، امر بایسته به نظر می‌آید. سومین مؤلفه‌ی قرآنی، تبیین ویژگی‌های «هویت زن مسلمان» است که به لحاظ مبانی نظری و پشتوانه‌ی فکری، تعالی و عزت‌مندی «هویت زن مسلمان» را در مواجهه با دیگر هویت‌ها، به تصویر می‌کشد. و در نهایت، مؤلفه‌ی چهارم، معرفی الگو برای زن مسلمان در جهت شیوه‌ی آراستگی زن مسلمان به هویت اسلامی است.

براین اساس، چارچوب این پژوهش در راستای همین الگوی قرآنی شکل گرفته است و روشی که برای تحلیل این مسأله به کار گرفته شده است، «روش مقایسه‌ای - تحلیلی» است. به این معنا که هویت زن در هر یک از مؤلفه‌های «جاهلیت اولی»، «جاهلیت مدرن» و «اسلام» تبیین شده است، تا از طریق مقایسه و تحلیل آنها، امتیازات و تمایزات «هویت زن مسلمان» آشکار گردد.

به لحاظ پیشینه، درباره‌ی برخی عناصر این پژوهش، تکنواری‌هایی انجام شده است که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. «زن در جاهلیت اولی و جاهلیت مدرن». نویسنده‌ی این مقاله مهناز بادران است که در واقع بخشی از کتاب «اندیشه‌های راهبردی، زن و خانواده» است که به صورت پی‌دی‌اف منتشر شده است.

۲. «بررسی تطبیقی هویت زن از منظر مدرنیسم و پست مدرنیسم و دلالت‌های تربیتی آن». پدیدآور این مقاله، سید مهدی سجادی است که در این پژوهش از آن استفاده شده و مشخصات کامل آن درج شده است. نویسنده، هویت زن را از منظر مدرنیسم و پست مدرنیسم به تفصیل مورد بررسی قرار داده که برای دریافت اطلاعات تکمیلی در موضوع مورد نظر بسیار اهمیت دارد.

۳. «بررسی تطبیقی شاخصه‌های اخلاقی جاهلیت اولی با جاهلیت مدرن». این مقاله نیز که در این پژوهش مورد استناد قرار گرفته است، ویژگی‌های این دو جاهلیت را تا حدودی مورد توجه قرار داده است.

۴. «بررسی تطبیقی دو مؤلفه‌ی جاهلیت اولی، تبرج و خشونت علیه زن، با جاهلیت مدرن از منظر قرآن». از امتیازات این مقاله، پرداختن به موضوع فوق از منظر قرآن است که مورد توجه نویسندگان این مقاله نیز قرار گرفته است.

۵. «فرهنگ و هویت زنان در جهان مسلمانان». هدف نگارنده‌ی این مقاله که در فصلنامه

بازتاب اندیشه، شماره ۲۱، منتشر شده است، مواجهه با پدیده‌ی «فمینیسم اسلامی» است که سعی دارد با تفسیر و تأویل‌های جدید از قوانین و فرهنگ اسلامی، زمینه‌های نفوذ و پذیرش فمینیسم را در بین زنان مسلمان و جوامع اسلامی فراهم سازد. این موضع سلبی در برابر پدیده‌ی فوق، به‌طور طبیعی دفاع از هویت اسلامی زن مسلمان در برابر هویت‌های بیگانه است. ع «ساختاربندی هویت زنان». در این اثر نیز که مورد استفاده‌ی این پژوهش قرار گرفته است، عوامل مؤثر بر هویت زنان در جوامع مختلف مورد بررسی قرار گرفته و به مسأله‌ی هویت زن در مدار آیات و روایات نیز پرداخته شده است.

آنچه در خصوص پیشینه‌های یادشده از اهمیت خاصی برخوردار است، عدم پرداختن آنها به ابعاد مسأله‌ی پژوهش حاضر به صورت جامع است و همین امر، خلأی را به‌وجود آورده است که پرداختن به این خلأها، هم ضرورت دارد و هم، این تحقیق عهده‌دار آن است. از همین روست که عنوان این پژوهش با نگاه به همه‌ی ابعاد آن، بی‌هیچ پیشینه است و از این جهت، بکر به شمار می‌آید.

با توجه به آن چه گفته شد، سؤال اصلی تحقیق حاضر چنین است: مؤلفه‌های هویت زن مسلمان از منظر قرآن کریم چیست؟ پاسخ به این سؤال مسأله‌ی اصلی این تحقیق است که براساس عناوین زیر، طرح و بررسی می‌گردد.

## ۱- مفهوم شناسی

### ۱-۱. هویت دینی

صاحب‌نظران تعاریف گوناگونی را از هویت ارائه داده‌اند اما به‌طور کلی، هویت به مجموعه‌ای از باورهای ذهنی اطلاق می‌شود که سبب تفاوت گذاری میان خود و دیگری می‌شوند (فکوهی، ۱۳۸۶: ۱۸۶). در واقع، هویت مفهومی است ناظر بر حالات و اعمال شخصی که ریشه در تربیت خانوادگی، آموخته‌های فرهنگی و باورهای اجتماعی دارد و تشخیص و فردیت شخص یا جامعه را تشکیل می‌دهد (حقدار، ۱۳۹۰: ۲۸).

در هر جامعه‌ای، نهادهایی هستند که بر هویت افراد تأثیر می‌گذارند. در جوامع قدیمی، این تأثیرات اغلب از سوی نهاد خانواده و پس‌از آن، از سوی دین که به‌نوعی وظیفه‌ی هویت‌سازی انسان‌ها را به عهده دارند، صورت می‌پذیرفت (خجسته، ۱۳۸۷: ۴۲). البته امروزه هویت‌سازی برپایه‌ی ملاک‌های دیگری صورت می‌گیرد.

مراد از هویت در این پژوهش، مجموعه‌ی باورهای است که شخص به آنها اعتقاد دارد و تشخیص و فردیت خود را از راه تعبد به آن باورها کسب می‌کند. به عبارت دیگر، تشخیص و تمایز فرد از دیگر افراد، در مدار ارزش‌های شکل می‌گیرد که فرد آنها را پذیرفته و نمود آن ارزش‌ها در رفتارهای او تجسم یافته است.

با این بیان، هویت دینی، هویتی است که تشخیص فرد بر اساس آموزه‌های دینی شکل گرفته و تعبد به این آموزه‌ها، او را از دیگر افراد متمایز می‌کند.

## ۲-۱. سیره و الگو

«سیره» از نظر لغوی با «سنت»، «روش» و «راه» هم‌معنای دارد (فیومی، ۲۰۰۱م، ج ۱: ۳۶۱). برخی لغت‌دانان سیره را مانند «فطره» بر وزن «فَعَلَه» گرفته و بر این باورند که بر نوع و سبک رفتار دلالت می‌کند (طریحی، ۱۳۶۳، ج ۳: ۳۴۰).

«سیره» در اصطلاح نیز در معانی متفاوتی به کار رفته است، از جمله: آنچه درباره‌ی رفتار پیامبر خدا (صلی‌الله علیه و آله) و اهل‌بیتش بیان شده و به‌واقع به قول و فعل و تقریر معصومان «سیره» اطلاق می‌شود (حسینی زاده، ۱۳۹۱: ۱۰). تحقیق حاضر به دنبال بررسی معنای سیره در اصطلاحات گوناگون (مانند مباحث سیره‌ی عقلا، سیره‌ی متشرعه و ... در علم اصول فقه) نیست؛ زیرا کاربرد آن اصطلاحات اختصاص به قلمرو خاص خودشان دارد و این نوشتار خارج از قلمرو آنهاست. بنابراین، معنای که در این جا از واژه‌ی سیره مدنظر هست، قول، فعل و تقریر معصومان (ع) است که مبنای الگوگیری برای پیروان آنان تلقی می‌گردد.

لغت‌دانان «الگو» را هم معنی با واژه‌های متعددی دانسته‌اند که هر کدام با توجه به کاربرد مختلف دارای دقت‌هایی است. دهخدا این واژه را معادل «روبر» می‌داند (دهخدا، ۱۳۵۲: ذیل واژه الگو). کاربست این واژه بیش‌تر در پیشه‌ی خیاطی است که کاغذ یا پارچه‌ای را به‌عنوان معیار انتخاب کرده و پارچه‌ی دیگر را با توجه به ابعاد آن، بُرش داده و آماده می‌سازند. هم‌چنین از معادل‌های دیگر این واژه می‌توان به «سرمشق» اشاره کرد (معین، ۱۳۷۸: ذیل واژه سرمشق) که موارد استعمال حقیقی آن نسبت به معنای سابق، فراتر است. در زبان عربی نیز از «الگو» به «أسوه» و «قدوه» تعبیر می‌شود. مفردات راغب، اسوه را حالتی می‌داند که انسان به هنگام پیروی از غیر پیدا می‌کند (راغب اصفهانی، ۱۳۶۹ق: ذیل واژه اسوه). مراد از الگو در این تحقیق، همان معنای قرآنی الگو و اسوه است که پیروی از رفتار انسان خطاناپذیر را توصیه کرده است: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا؛ مَسْلَمًا» برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی بود، برای آنها که امید به رحمت خدا و روز رستاخیز دارند و خدا را بسیار یاد می‌کنند» (احزاب: ۲۱).

## ۲. هویت زن در جاهلیت اولی

جاهلیت پیش از اسلام که به جاهلیت اولی معروف است، از شاخصه‌هایی برخوردار بود که هویت زنان در قالب آن شاخصه‌ها تعریف می‌شد. برخی از این شاخصه‌ها، مربوط به باورها و برخی دیگر مربوط به ارزش‌های اجتماعی بود. از لحاظ باور، در فرهنگ جاهلی نظام بت‌وارگی حاکم بود؛ یعنی بت‌های دست‌ساز خودشان را به خدایی پذیرفته بودند. قرآن کریم بسیاری از اقوام

انبیای پیشین را آلوده به شرک معرفی می‌کند و از بت پرستی قوم نوح (نوح: ۷۱)، قوم عاد (اعراف: ۷۰)، قوم ثمود (هود: ۶)، اصحاب مدین (انبیاء: ۲۱)، قوم لوط و یونس (انبیاء: ۲۵)، سخن می‌گوید. حضرت ابراهیم نخستین بار در دوران جاهلیت در جزیره العرب از خدای یگانه و طرد بت پرستی سخن گفت (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۷: ۳۲۳). اما مردمان جزیره العرب با وجود دین ابراهیم و بنای کعبه، به تدریج به شرک گراییدند و پرستش بت‌ها را وسیله تقرب به خدا شمردند (ابن هشام، ۱۳۸۳ق، ج ۱: ۷۷-۷۸). به گفته‌ی قرآن، اعراب جاهلی بت‌هایی معروف را می‌پرستیدند؛ همچون: هُیَل، لات، عَزَّى، وَدَّ، سُوَاع، نَسْر و یَعُوْق که همگی مجسمه‌هایی از جنس سنگ بودند (نوح: ۲۳).

اما از لحاظ نظام ارزشی، جامعه‌ی عرب در عصر ظهور اسلام ساختار ارزشی منحطی را تجربه می‌کرد. خشونت، جنگ و آدم کشی رواج داشت و ارزش‌های انسانی کم رنگ بود. زن در میان آنان موجودی پست و بی مقدار به حساب می‌آمد و به دیدی حقارت بدو نگریسته می‌شد (حاج حسین، ۱۳۴۴ق: ۱۲۵). عرب جاهلی زن را شیطان و اهل مکر و خدعه به حساب می‌آورد (همان: ۱۳۳). از این رو، از داشتن دختر احساس ننگ و خواری می‌کرد و برای رهایی از این خواری، فرزند شیرخوار خود را زنده به گور می‌کرد (نحل: ۵۸-۵۹). با این همه، آنچه در تاریخ جاهلیت پیش از اسلام نمود بیشتری دارد، نابرابری حقوق بین زن و مرد می‌باشد. زنان چه در خانه و چه در اجتماع پایین‌تر از مردان به شمار می‌رفتند. بینش اعراب به زنان یک دید منفی بود و آن‌ها را مظهر فتنه‌گری می‌دانستند و از این رو، نسبت به زنان خشونت بسیاری رواداشته می‌شد. برخی از رفتارهای خشونت‌آمیز علیه زنان در جاهلیت موارد زیر بوده است.

۱. خشم و نفرت نسبت به دختران (نحل: ۵۸-۵۹).
۲. کشتن دختران (تکویر: ۸-۹). اعراب جاهلی قبل از زایمان زن، چالهی می‌کنند و آماده می‌ساختند، همین که می‌فهمیدند فرزندشان دختر است در آن چاله انداخته خاک به رویش می‌ریختند، تا زیر خاک جان بدهد، و این عمل را از ترس فقر، نسبت به دختران مرتکب می‌شدند، که مبادا در اثر نداری، کسی که کفو آنان نیست به ایشان طمع کند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۸: ۱۳۳).
۳. ازدواج با دختران یتیم به منظور تصرف اموال آنان (نساء: ۱۲۷).
۴. دختران در سن ازدواج حق تصمیم‌گیری نداشتند و رئیس قبیله، پدر، برادر یا دیگران در مورد ازدواج آن‌ها تصمیم می‌گرفتند (ابن اثیر، ۱۴۰۹ق، ج ۲: ۴۰۵).
۵. اجبار کنیزان و دختران بر فحشا (نور: ۳۳).
۶. در بین اعراب تشبیه زنان در هنگام مخالفت، از امور عادی به شمار می‌رفت (رازی،

۱۴۰۸ق، ج ۵: ۳۴۸).

۷. در بین اهل حجاز به زنان، چه همسر و چه دختر ارثی تعلق نمی گرفت (همان، ج ۴: ۳۰۷).

۸. زنان در مسأله‌ی ازدواج، مانند کالا مبادله می شدند. نکاح الاستبضاع (زناشویی جهت بردار شدن از مرد بیگانه خوش قیافه یا شجاع) (آلوسی، بی تا، ج ۲: ۴)، نکاح البدل (زناشویی تعویضی) (جواد علی، ۱۹۷۰م، ج ۵: ۵۳۷)، نکاح الضیمن (نکاح موروثی پسر با نامادری خود) (نک: همان: ۵۳۴) از جمله‌ی این ازدواج‌ها به‌شمار می‌آمد.

۹. طلاق نیز در عصر جاهلیت، به انگیزه‌های آزار زن صورت می‌گرفت. عدم رضایت مرد از زن (اعشی، ۱۴۱۴ق: ۱۳۲)، خشم و انتقام‌گیری از زن، دختر به دنیا آوردن زن (جواد علی، ۱۹۷۰م، ج ۵: ۵۵۴)،ظهار (نک: ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ج ۸: ۲۸۱) (که موجب حرمت ابدی زن بر مرد و معلق ماندن او می‌شد) و ایلا (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۲: ۵۷۱) (قسم خوردن مرد بر عدم همبستری با زن)، از جمله عوامل طلاق به‌شمار می‌رفت.

چنان‌که می‌بینیم هویت زن در دوره‌ی جاهلیت پیش از اسلام، از لحاظ باور «بت‌وارگی» و از لحاظ ارزش‌های انسانی و اجتماعی، براساس محرومیت از هرگونه حقوق انسانی شکل گرفته بود. در این فرهنگ آن‌چه که موجب تمایز و تشخیص جنس زن از جنس مرد می‌شد، هویتی بود که برپایه‌ی تنفر، پستی، بی‌ارزشی و استفاده‌ی ابزار از زن به‌وجود آمده بود.

### ۳. هویت زن در جاهلیت مدرن

تعبیر «جاهلیت اولی» در قرآن (احزاب: ۳۳)<sup>۱</sup>، نشان از ظهور جاهلیت جدید نیز دارد، چنان‌که از امام باقر (ع) در تفسیر این جمله چنین نقل شده است که فرمود: «جاهلیت دیگری وجود خواهد داشت» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۸: ۳۰۷). از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که فرمودند: «من بین دو جاهلیت که دومین آن مخربتر از اولی است، برانگیخته شدم» (شجری، ۱۴۲۲ق، ج ۲: ۳۸۳). این دسته از اشارات قرآن و روایات به جاهلیت جدید، اندیشمندان مسلمان را از گذشته‌ی دور به طرح و بررسی این موضوع رهنمون گردید. اما اندیشه‌ی «جاهلیت جدید» در دهه‌های اخیر، عمدتاً بر اثر مواجهه‌ی جهان اسلام با دنیای جدید، به صورت مفهومی مستقل در آثار برخی علما و نویسندگان دینی بازآفرینی شد. نخستین بار چنین مواجهه‌ی با مظاهر جهان تکنولوژی، در تعبیرات سید ابوالاعلی مودودی (د. ۱۹۷۹م)، رهبر دینی و سیاستمدار پاکستانی، به‌کاررفت. وی تجدد را به جاهلیت جدید تعبیر کرد که در نگاه او همه‌ی نظام‌های حکومتی و

۱. جاهلیت اولی، همان جاهلیت عرب پیش از اسلام است که به قشر زنان ستم‌های بسیاری تحمیل می‌شد و در این فرهنگ، زنان از کم‌ترین حقوق انسانی خویش محروم بودند (بنگرید به: حاج حسین: ۱۳۴۴ق).

نظریات سیاسی و اجتماعی ناسازگار با اخلاق و فرهنگ اسلامی را در برمی‌گرفت (مودودی، ۱۹۷۵م: ذیل آیه ۵۰ سوره مائده). از نظر او، جهان غرب و کمونیسم، همسان از مصادیق این مفهوم به‌شمار می‌آید. در جهان عرب، دانشمند دینی و فعال سیاسی مصری، سید قطب (د. ۱۹۶۶م)، مفهوم جاهلیت جدید را بیش از پیش گسترش داد (سید قطب، ۱۹۶۷م، ج ۲: ۷۲۴-۷۳۰). وی معتقد بود تمامی تصورات، عقاید، فرهنگ‌ها و قوانین بشر امروز جاهلی است. در نگاه وی جاهلیت، بندگی انسان در برابر انسان است و اسلام، بندگی انسان در برابر خداست؛ بنابراین، این دو آشتی‌ناپذیرند و برای ایجاد جامعه اسلامی باید از جاهلیت به اسلام منتقل شد (سید قطب ۱۹۶۴م: ۲۰۰-۲۰۱).

محمد قطب (د. ۱۹۶۵م)، نیز کتابی به‌نام «جاهلیة القرن العشرين» را درباره‌ی جاهلیت مدرن، پدید آورد. به عقیده‌ی او، جاهلیت، هم نوعی حالت روانی است که فرد از پذیرش هر نوع هدایت از سوی خدا سرپیچی می‌کند و هم نوعی عملکرد است که داوری بر طبق احکام الهی را بر نمی‌تابد (محمد قطب، ۱۳۸۴ق: ۱۲-۱۳). اما در تعریف جاهلیت مدرن چنین گفته شده است: «جاهلیت مدرن، بروز و ظهور ویژگی‌ها و مؤلفه‌های جاهلیت در دوران پیشرفت علم و تکنولوژی و در یک کلام، عصر مدرنیته می‌باشد» (آخوند و دیگران، ۱۳۹۵: ۵). ریشه‌ی جاهلیت مدرن در شکاکیت‌گرایی، خودبنیادی، اصالت دادن به دریافت‌های حاصل از تجربه حواس ظاهری و عقل کمی متکی به دریافت‌های حسی ظهور و بروز پیدا کرده است (قاضوی و دیگران، ۱۳۹۹: ۵۶). شایان توجه است که ارائه‌ی بحث تفصیلی از شکل‌گیری دوران مدرن و بررسی مکاتب برخاسته از دل آن، از عهده‌ی این نوشتار خارج است. از این‌رو، دو محور را که ارتباط با هویت زن در عصر مدرن دارد، مورد اشاره قرار می‌دهیم.

### ۱. تغییر باورها از «خداوارگی» به «شی‌وارگی».

پیشرفت علم تجربی و کشف علت‌های طبیعی پدیده‌ها، بشر امروز را به سوی خداگریزی و علم‌گرایی سوق داد؛ زیرا با چنین کشفی، باور به وجود نیروهای مافوق طبیعی، توهم و پوچ تلقی شد که ریشه در نادانی بشر نسبت به علت‌های طبیعی و مادی داشته است. حال که علت پدیده‌ها کشف شده است، دیگر نیازی به خدا و امور فراطبیعی نیست و حتی در اندیشه‌ی برخی از تجربه‌گران، وجود چنین خدایی که تأثیری در روابط علی - معلولی پدیده‌ها ندارد، می‌توانست مورد تردید قرار گیرد (صمیمی، ۱۳۸۵: ۲۲۳).

این دستاورد علمی، زمینه‌ی «شی‌وارگی» انسان مدرن را فراهم کرد، یعنی انسان مقهور اشیایی شد که با دست خود می‌سازد و خدای عالم، هیچ نقشی در تدبیر زندگی او ندارد. به عبارت بهتر، همان‌گونه که بت‌وارگان عصر جاهلی خالقیت خدا را پذیرفته بودند، اما تدبیر امور را از او سلب کرده و به بت‌های دست‌ساز خود داده بودند، بشر عصر حاضر نیز، با فرض پذیرش خالق



هستی، نقش او را در تدبیر امور خود، انکار می‌کند و با کشف علل پدیده‌ها، تدبیر، اندیشه و خرد خود را برای اداره‌ی امور زندگی کافی می‌داند و دست‌ساخته‌های خود را به عنوان هدف غایی و کمال‌یابی پرستش می‌کند. بنابراین، واژه‌ی «شی‌وارگی» که نشان از تنزل هویت انسان از «خداوارگی» به «اشیاوارگی» دارد، در عصر جاهلیت پیش از اسلام، به‌گونه‌ی «بت‌وارگی» نهادینه و رواج یافته بود، اما در عصر مدرن، به شکل «شی‌شدگی و بحران هویت» باز تولید شده است. از همین روست که ماکس وبر و برخی دیگر از جامعه‌شناسان مشهور غربی، مشخصه‌ی عصر حاضر را «فتیشم = کالاشدگی، بت‌شدگی و شی‌شدگی» انسان می‌داند (ر.ک: همان: ۲۲۳-۲۳۴).

## ۲. شکل‌گیری ماهیت زن براساس کالاشدگی.

از کلیدی‌ترین ویژگی‌های مدرنیته که در اروپا به ظهور رسید، تغییر جایگاه زنان بود؛ تا جایی که حضور و نقش زنان در جامعه، معیاری سنجش مدرن بودن قرار گرفت. برخلاف ظاهر فریبنده‌ی این تحول، برآیند آن، چیزی جز زنده به‌گورشدن مجدد زنان با ساختار جدید نبود (بنگرید به: خاتمی نیا، ۱۳۹۳: ۲۷۳)؛ زیرا ریشه‌ی این تحول، شکل‌گیری نظام سرمایه‌داری است که مبتنی بر انقلاب صنعتی بود. پیش‌برد این انقلاب، نیاز به کارگر داشت و مردها پاسخ‌گوی این نیاز نبودند؛ از این‌رو، زن‌ها و کودکان نیز در بدترین شرایط به کار گرفته شدند. برپایه‌ی این رویکرد، نقش‌های سنتی مرتبط با جنسیت از میان برداشته شد و تلاش‌هایی صورت گرفت تا با دور کردن زنان از فضای سنتی و وارد کردن آن‌ها از فضای خانه به فضای اجتماع، هویتی مدرن به آن‌ها ببخشند. در همین رابطه، روشن‌فکران غربی ایده‌ی استقلال زنان را طرح کردند و این باور را گسترش دادند که استقلال جامعه مبتنی بر استقلال زنان است و سرنوشت جامعه را به سرنوشت زنان گره زدند (ر.ک: همان).

چنین استفاده‌ی ابزاری از زنان - که با فطرت و روحیه‌ی آنها سازگار نبود - نه تنها باعث پیش رفت شان نشد، بلکه در طولانی مدت، جامعه با تناقض‌های متعددی روبه‌رو گردید (نک: همان). کمترین اثر نامطلوب این رویکرد و به عبارتی، از مهم‌ترین مشخصه‌های جاهلیت مدرن، تنزل مقام زن از جایگاه فطری خود و فروپاشیدن نظام خانواده است. شهید مطهری سخنی را از ویل دورانت نقل می‌کند که نشان می‌دهد به عقیده‌ی ایشان، ظهور این پدیده‌ی شوم، بزرگترین حادثه‌ی قرن بیستم به‌شمار می‌آید، چنان‌که می‌نویسد: «اگر فرض کنیم در سال ۲۰۰۰ مسیحی هستیم و بخواهیم بدانیم که بزرگترین حادثه‌ی قرن بیستم چه بوده، متوجه خواهیم شد که این حادثه، جنگ و یا انقلاب روسیه نبوده بلکه همانا دگرگونی وضع زنان بوده است. تاریخ، چنین تغییر تکان‌دهنده‌ی را در مدتی به این کوتاهی کمتر دیده است و خانه‌ی مقدس که پایه‌ی نظم اجتماعی ما بود، شیوه‌ی زناشویی که مانع شهوترانی و ناپایداری وضع انسان بود، قانون اخلاقی

پیچیده‌ی که ما را از توحش به تمدن و آداب معاشرت رسانده بود، همه آشکارا در این انتقال پرآشوبی که همه رسوم و اشکال زندگی و تفکر ما را فرا گرفته است، گرفتار گشته‌اند» (مطهری، ۱۳۸۱: ۳۶).

از دیگر اثرات نامطلوب این پدیده‌ی جدید، نسل‌کشی انسان - به‌ویژه دختران - در قالب سقط جنین است. در جاهلیت پیش از اسلام اگر دختر را پس از تولد به دلیل فقر مالی زنده به‌گور می‌کردند، در جاهلیت مدرن، نسل انسان را با سلاح‌های علمی و توجیهات عقلانی، هدف قرار داده‌اند. سقط جنین یک شیوه‌ی نسل‌کشی است که در بسیاری از جوامع امروزی به صورت یک امر عادی درآمده است. به عنوان نمونه در چین به دلیل وجود قانون تک فرزندی و این‌که برخی از خانواده‌ها علاقه به پسر دارند، نوزادان دختر را سقط می‌کنند. در این میان خانواده‌های فقیر جنین‌های پسر را به قیمت ۲۰۰۰ دلار می‌فروشند (صالحی ارمکی و دیگران، ۱۴۰۰: ۴۱۸-۴۱۹).

گرچه جامعه برای پیش رفت خود به حضور زنان نیازمند است؛ اما حضور زن در جوامع مدرن براساس رویکرد سرمایه‌داری، موجب شد که هویت انسانی زن از او سلب گردد و هویت ابزاری به او اعطا شود. هویتی که از زن، کالایی در جهت بهره‌کشی و تأمین نیازهای مادی و شهوانی ساخت و جایگاه محوری زن را از کانون نظام خانواده به‌زیر کشید. براین‌د طبیعی این تغییر هویت، فروپاشی نظام خانواده و عفاف عمومی و ترویج فساد اخلاقی و بی‌بندوباری جنسی بود. به گفته‌ی برخی نویسندگان: «در دنیای مدرنی که زن، بیش‌تر یک کالای لوکس و پزرزق و برق است، گونه‌ای دیگر از جاهلیت مدرن شکل گرفت که در آن، زن به گونه‌ای دیگر، زنده به‌گور می‌شود» (خاتمی‌نیا: پیشین).

اساسی‌ترین ویژگی‌های تفکر مدرن (جاهلیت مدرن) را می‌توان اومانیسیم، اخلاق‌گرایی سکولاری و هم‌چنین فردگرایی متدولوژیک دانست. علاوه براین، ویژگی‌های چون سکولاریسم، ناسیونالیسم، و لیبرالیسم نیز از ویژگی‌های هستند که در دوران مدرنیته نمایان شده‌اند (سجادی، ۱۳۸۳: ۴۴). از دل همین مکاتب فکری بود که تشخیص زنان از مردان برپایه‌ی محرومیت زن از حقوق انسانی خویش و به عنوان ابزار خدمت برای مرد، شکل گرفت و در جامعه تحقق عینی یافت (نک: همان: ۴۴-۴۹). بازتاب طبیعی این تفکر، ظهور مکتب «فمینیسم» از دل مکاتب دوره‌ی «پست مدرنیسم» بود که به منظور احیای حقوق از دست‌رفته‌ی زنان در دوره‌ی «مدرنیسم» شکل گرفت (ر.ک: همان). که البته تبعات خانوادگی و اجتماعی این مکتب جدید

نسبت به جنس زن، کمتر از ویرانگری دوره‌ی مدرنیسم نبود.<sup>۱</sup>

#### ۴. هویت زن مسلمان

هویت زن در جاهلیت اولی و مدرن مورد اشاره قرار گرفت و بیان شد که تشخیص زن از لحاظ باور در جاهلیت اولی، بت‌وارگی و در جاهلیت مدرن، شی‌وارگی است. نیز تشخیص زن از لحاظ ارزش اجتماعی، در هر دو جاهلیت، کالاشدگی است. در عصر جاهلی پیش از اسلام، زن‌ها به شیوه‌ی خاصی از حقوق انسانی محروم و به عنوان ابزار خدمت برای مرد تلقی می‌شد، اما در جاهلیت جدید، به شیوه‌ی علمی و پیچیده‌تری، هویت زن در اجتماع براساس تأمین نیازهای مرد، شکل گرفت.

حال، در میان این دو جاهلیت، هویت زن مسلمان امروز در چه قالبی باید ترسیم گردد، تا از آفات هر دو جاهلیت مصون بوده و از حقوق انسانی و فطری خویش برخوردار باشد. برای تشخیص زن مسلمان از هویت جاهلی به هویت اسلامی، نیاز به دو مقوله‌ی «مبانی نظری» و «الگوی مصداقی» داریم که از یکسو براساس مبانی نظری، مؤلفه‌ها، ویژگی‌ها و عناصر هویت زن مسلمان را تعریف کنیم و از سوی دیگر، مصداق عینی را که آراسته به این مؤلفه‌ها و عناصر باشد، الگوی عملی برای کسب هویت اسلامی قرار دهیم. قرآن کریم به هردو مقوله پرداخته؛ یعنی از جهت مبانی نظری، ویژگی‌های هویت زن مسلمان را بیان نموده و از جهت معرفی مصداق، افرادی را به‌طور صریح یا غیر مستقیم نام برده است. براین اساس، بحث هویت زن مسلمان را در دو مقوله‌ی فوق، پی‌می‌گیریم.

#### ۴-۱. مبانی نظری هویت زن مسلمان بر پایه‌ی اوصاف قرآنی

قرآن به عنوان مهم‌ترین منبع برای معرفی اسلام، نوع بینش و هویتی را که برای زن در جاهلیت وجود داشت، باطل اعلام کرد و هویت جدیدی مبتنی بر نگاه انسانی و ایفای حقوق انسانی برای جنس زن ارائه نمود؛ هویتی که برپایه‌ی آن، زن دوشادوش مرد، در تمامی عرصه‌های ارزش انسانی، حرکت می‌کند و هردو به یک منوال از کرامت و ارزش انسانی برخوردارند. هویتی که زنجیر بت‌وارگی را از عقل و خرد انسان پاره نموده و باور به «الله‌وارگی» را جایگزین آن کرده است. تعریفی که قرآن از هویت زن ارائه کرده و ویژگی‌های که برای هویت زن مسلمان قائل شده است، به‌طور اختصار مورد اشاره قرار می‌گیرد:

۱. برابری در آفرینش. قرآن کریم آفرینش مرد و زن را از «نفس واحد» خواند و باور طفیلی بودن خلقت زن را باطل اعلام کرد (روم: ۲۱؛ نساء: ۱).

۱. این قلم، به دلیل ضیق مجال، ظرفیت ورود به طرح تفصیلی این بحث را ندارد. بنابراین، خوانندگان محترم را به منابع مربوطه رهنمون می‌گردد.

۲. برابری در ارزش. به تبع خلقت انسان از «نفس واحد»، ارزش ذاتی زن و مرد نیز برابر است و از لحاظ کمالات انسانی، هیچ‌یک بر دیگری برتری ندارد. میزان ارزش انسان را فقط یک ویژگی تعیین می‌کند که هرکسی از این ویژگی برخوردار باشد، کرامت بیشتری نزد خدای متعال دارد و آن «تقوا» است (حجرات: ۱۳).

۳. برابری در کسب فضایل و کمالات. قرآن کریم میان زن و مرد در جهت کسب فضایل و کمالات انسانی و معنوی و نیز از جهت دریافت پاداش اعمال، برابری قائل است (آل عمران: ۱۹۵؛ احزاب: ۳۵).

فراتر از آن، قرآن تأکید دارد که زنان در جهت کسب مقامات معنوی تا آن جا می‌توانند صعود کنند که سرور تمامی زنان دوران خود گردد (آل عمران: ۴۲). و نیز زنان تا آنجا می‌توانند پله‌های ترقی را طی کنند که نمونه و الگو برای تمامی مؤمنان (اعم از زن و مرد) قرار گیرند (تحریم: ۱۱).

۴. برابری در وظایف عبادی. قرآن انجام وظایف عبادی را به صورت برابر بر عهده‌ی زن و مرد قرار داده است، جز در موارد خاص که لازمه‌ی اقتضائات وجودی زن و مرد به‌شمار می‌آید (بقره: ۴۳؛ آل عمران: ۹۷).

۵. حمایت از دختران. قرآن به شدت از رفتار غیر انسانی علیه دختران نهی کرد و ارتکاب چنین عملی را در حق دختران ناشی از تفکر شرک‌آلود و عدم باور به رزاقیت الهی اعلام کرد (اسراء: ۳۱).

۶. اصلاح ساختار رایج در امر ازدواج. پیامبر اکرم (ص) با تبیین آیات قرآن، اقدام به اصلاح روابط خانوادگی نمود و یک نظامی مبتنی بر ارزش‌های متعالی انسانی برای زن و مرد در خانواده ایجاد کرد. قرآن کریم در گام نخست، هدف از تشکیل خانواده و ازدواج را بقای نسل آدمی خواند (نحل: ۷۲). وانگهی، کانون خانواده را موجب آرامش یکدیگر قرار داده و میان زوجین الفت و محبت برقرار کرد (روم: ۲۱). از دیگر سو، به زنان در مسأله‌ی ازدواج و انتخاب همسر، اختیار و آزادی بخشید و ازدواج تحمیلی را باطل اعلام نمود و جامعه‌ی زنان را از زنجیرهای جاهلی آزاد کرد.

۷. اصلاح ساختار رایج در امر طلاق. پیامبر اکرم (ص) براساس آموزه‌های قرآن، اصلاحات مهمی در مسأله‌ی طلاق در جهت رعایت حقوق زنان انجام داد و بسیاری از طلاق‌های که موجب آزار و اذیت زنان می‌شد، ملغی اعلام نمود (بنگرید به: بقره: ۲۲۶-۲۲۹ و ۲۳۴؛ مجادله: ۲؛ نساء: ۳).

۸. ایجاد ارث برای زنان (نساء: ۱۱).

۹. برخورد انسانی و احترام آمیز. در عصری که رفتار ظالمانه و خشونت‌آمیز علیه زنان

رواداشته می‌شد، پیامبر اکرم (ص) براساس دستورات قرآن، دستور به حسن معاشرت با زنان را صادر کرد (نساء: ۱۹).

## ۲-۴. فاطمه زهرا (س) مصداق عینی زن مسلمان

هویت نوینی که قرآن برای جنس زن به ارمغان آورد، صرفاً در حد یک آرمان و ارائه‌ی نظریه نبود، بلکه الگو و نمونه‌ی عینی برخوردار از هویت متعالی قرآنی نیز معرفی کرده و به عنوان «مَثَل» برای تمامی زنان و حتی برای نوع انسان مطرح نموده است (آل عمران: ۴۲؛ تحریم: ۱۱). اما آن چه بیش از همه اهمیت دارد، معرفی مصداق معین به عنوان معیار شاخص در جهت الگوگیری است که در عصر نزول قرآن، عناصر هویت قرآنی در وجود او تجسم یافته باشد، تا بتوان براساس سیره و رفتار او، هویت زن مسلمان را بازتعریف کرد. از لطایف قرآن در این زمینه، معرفی چنین فرد شاخص در آیات متعدد، به صورت کنایی و بدون تصریح به نام است. شاید عدم تصریح به نام، موجب برانگیختن حس کنجاوی افراد نسبت به کشف ویژگی‌های فرد الگو در آیات مورد نظر باشد.

با کمک روایات تفسیری، به‌روشنی می‌توان دریافت که این معیار شاخص برای هویت شناسی زن مسلمان در قرآن، حضرت فاطمه (ص) است. یکی از آیاتی که تصریح به عصمت و پاکی ایشان از هرگونه رجس دار، آیه‌ی تطهیر (احزاب: ۳۳) است که براساس روایات، حضرت جزو مصادیق قطعی این آیه به‌شمار می‌آید (ر.ک: احمد، ۱۴۱۹ق، ج ۶: ۲۸۸). آیه‌ی دیگری که به این موضوع اشاره دارد، آیه‌ی مباحله (آل عمران: ۶۱) است که موضوع آن، اثبات حقانیت دین اسلام بوده است و حضرت زهرا (س)، جزو افراد گزینش شده برای تحقق این هدف می‌باشد (ابن اثیر، ۱۴۰۹ق، ج ۴: ۲۶). یکی دیگر از آیات و سوره‌های که جلوه‌های معنوی و الگو بدن حضرت را نشان می‌دهد، سوره‌ی انسان است که برخی آیات آن در شأن ایشان و شوهر و دو فرزندش حسنین (ع) نازل شده است (زمخشری، ۱۴۱۵ق، ج ۴: ۶۷۰؛ فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۳۰: ۷۴۶؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۱۰: ۱۲؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۵: ۱۷۰-۱۷۴). طبق این آیات، تمام افکار و رفتار آن حضرت، محض در رضای الهی است و تمام دستورات و آموزه‌های دینی در رفتار او تجسد عینی یافته است. در سوره‌ی فاتحه که سخن از صراط مستقیم (فاتحه: ۶) به میان آمده است، طبق برخی روایات، حضرت زهرا (س)، از مصادیق صراط مستقیم قلمداد شده است (صدوق، ۱۳۷۷ش، ج ۱: ۷۷). هم‌چنین، برپایه‌ی برخی روایات (صفار، ۱۴۰۴ق: ۶۰)، حضرت جزو کلمه‌ی طیبه است که ریشه‌ی آن ثابت و شاخه‌ی آن در آسمان است و در آیه‌ای از قرآن به این کلمه تصریح شده است (ابراهیم: ۲۴).

آن چه مورد اشاره قرار گرفت، بخشی از آیاتی است که جایگاه حضرت زهرا (س) را ترسیم کرده است و افزون بر آیات قرآن، انبوهی از روایات از رسول خدا (ص) و ائمه (ع) در شأن و

منزلت و جایگاه آن بانو صادر شده است (بنگرید به: ۱۳۹۲) که در این جا، مجال پرداختن به آنها وجود ندارد.

همین امر موجب شده است که حجیت و الگو بودن حضرت زهرا (س) برای امامانی از فرزندان ایشان نیز در لسان برخی ائمه (ع) تصریح گردد (طیب، ۱۳۷۸ش، ج ۱۳: ۲۶۳).  
 بنابراین، حضرت زهرا (س) تنها نمونه‌ی عینی است که ویژگی‌های هویت یک زن مسلمان به تمام و کمال، در رفتارهای فردی، خانوادگی و اجتماعی او تبلور یافته است و از همین رو، تنها مصداق کامل الگوگیری برای کسب هویت زن مسلمان، به‌شمار می‌آید و تنها راه‌هایی از خودباختگی هویتی و بازگشت به هویت دینی و اسلامی، الگوگیری از آن حضرت، در شئون زندگی است.

## نتیجه گیری

نتیجه‌ی که از این پژوهش به دست آمد، ارائه‌ی راهکاری است برای بازگشت به «هویت دینی» از یکسو، و مصون ماندن از «هویت‌گریزی» از سوی دیگر. مهم‌ترین عامل ناهنجاری‌ها در جوامع اسلامی، پاسداشت هویت دینی در شعار و گریز از هویت دینی در رفتار است. این دوگانگی موجب شده است که رسوب‌های جاهلی در نوع مدرن خود، در رفتارهای مسلمانان نفوذ کند و آنان را از هویت دینی‌شان دور نماید. بررسی هویت زن در جاهلیت اولی و مدرن نشان داد که چگونه باور «بت‌وارگی» و «شی‌شدگی» در این دو جاهلیت به هم پیوسته و پیروان این دو، با حفظ باور به خالقیت الهی، در عمل دست‌ساخته‌ی خود را پرستش می‌کنند. سایه‌ی ویرانگر این باور که ریشه در هویت نادرست این دو جاهلیت دارد، زندگی و رفتار بسیاری از مسلمانان را نیز تحت تأثیر قرار داده است و آنان در عین باور به خدا، مدگرایی حاصل از جاهلیت مدرن را تقلید می‌کنند.

نتیجه‌ی این تحقیق آن است که هویت‌گریزی زن مسلمان، او را از جایگاه انسانی و قداست و عزت او، به حضيض کالاشدگی و بی‌عفتی جنسی خواهد کشید و تنها راه حفظ این جایگاه و ایمن ماندن از گزند جاهلیت مدرن، شناخت دقیق هویت اسلامی زن مسلمان و بازگشت به هویت دینی است؛ هویتی که قرآن کریم با اشاره به جایگاه زن در جاهلیت اولی و مدرن، کرامت و حقوق انسانی زن و همدوشی او با مرد را در تمام عرصه‌های تکامل و کسب کمالات انسانی به تصویر کشیده و مصداق‌هایی کاملی با هویت دینی به عنوان الگو معرفی کرده است. و حضرت زهرا سلام الله علیها از نظر اسلام یک نمونه کامل با هویت اسلامی است

## فهرست منابع

### قرآن کریم

۱. ابن اثیر، عزالدین علی بن محمد، (۱۴۰۹ق)، *أسد الغابۃ فی معرفۃ الصحابۃ*، بیروت، دار الفکر.
۲. ابن سعد، محمد، (۱۴۱۰ق)، *الطبقات الکبری*، تحقیق محمد عبد القادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیۃ.
۳. ابن هشام، عبدالملک، (۱۳۸۳ق)، *السیرۃ النبویه*، به کوشش محمد محیی الدین، مصر، مکتبۃ محمد علی صبیح.
۴. احمد بن حنبل، (۱۴۱۹ق)، *مسند أحمد بن حنبل*، تحقیق السید ابو المعاطی النوری، بیروت، عالم الکتب.
۵. اعشى (۱۴۱۴ق)، *دیوان الاعشى*، بیروت، دار صادر.
۶. آخوند، سکینه و دیگران، (۱۳۹۵)، «بررسی تطبیقی شاخصه‌های اخلاقی جاهلیت اولی با جاهلیت مدرن»، همایش ملی «اسلام و جاهلیت مدرن؛ چالش‌ها و بایسته‌ها»، جامعه المصطفی العالمیه، مشهد مقدس.
۷. آلوسی، محمود، (۱۴۱۵ق)، *روح المعانی*، تحقیق علی عبدالباری عطیه، بیروت، دار الکتب العلمیه.
۸. -----، (بی تا)، *بلوغ الارب فی معرفۃ احوال العرب*، تحقیق محمد بهجه الاثری، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۹. بلاذری، احمد بن یحی، (۱۴۱۷ق)، *انساب الاشراف*، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت، دارالفکر.
۱۰. حاج حسین، حسن، (۱۳۴۴ق)، *حضارۃ العرب فی عصر الجاهلیۃ*، بیروت، المؤسسه الجامعیه.
۱۱. حسینی زاده، علی، (۱۳۹۱)، *سیره‌ی تربیتی پیامبر (ص) و اهل بیت*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۲. حقدار، علی اصغر، (۱۳۹۰)، *فراسوی پست مدرنیته، اندیشه‌ی شبکه‌ای، فلسفه‌ی سنتی و هویت ایرانی*، تهران، شفیع.
۱۳. خاتمی نیا، فاضل، (۱۳۹۳)، «زن در حصار جاهلیت مدرن»، مجله پیام زن، شماره ۲۷۳.
۱۴. خجسته، حسن، (۱۳۸۵)، «ساختاربندی هویت زنان»، پژوهش و سنجش، دوره ۱۴، شماره ۵۲.
۱۵. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۵۲)، *لغت نامه*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۶. رازی، ابوالفتوح حسین بن علی، (۱۴۰۸ق)، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، مشهد، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.
۱۷. راغب اصفهانی، حسین، (۱۳۶۹ق)، *مفردات الفاظ القرآن*، تحقیق صفوان عدنان داودی، دمشق، دار القلم.
۱۸. زمخشری، جارالله، (۱۴۱۵ق)، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقوال فی وجوه التأویل*، قم، نشر البلاغه.
۱۹. سجادی، محمد مهدی، (۱۳۸۳)، «بررسی تطبیقی هویت زن از منظر مدرنیسم و پست مدرنیسم و دلالت‌های تربیتی آن»، دو ماهنامه علمی - پژوهشی دانشگاه شاهد، سال یازدهم - دوره جدید، شماره ۶.



۲۰. سیدقطب، ابراهیم حسین شاذلی، (۱۹۶۷م)، فی ظلال القرآن، بیروت، دارالشروق.
۲۱. -----، (۱۹۶۴م)، معالم فی الطريق، قاهره، دار النشر الاسلامی.
۲۲. شجرى، یحیی بن حسین، (۱۴۲۲ق)، ترتیب الأمالی الخمیسیة للشجرى، تحقیق محمدحسن اسماعیل، بیروت، دار الکتب العلمیه.
۲۳. صالحی ارمکی، علی و دیگران، (۱۴۰۰)، «بررسی تطبیقی دو مؤلفه جاهلیت اولی، تبرج و خشونت علیه زن، با جاهلیت مدرن از منظر قرآن»، فصلنامه مطالعات قرآنی، سال دوازدهم، شماره ۴۵.
۲۴. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، (۱۳۷۷ش)، معانی الأخبار، ترجمه عبدالعلی محمدی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۵. صفار، محمد بن حسن، (۱۴۰۴ق)، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیهم، تحقیق و تصحیح محسن کوچه باغی، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
۲۶. صمیمی، نیلوفر، (۱۳۸۵)، «شیئ سُدگی از لوکاج تاهابرماس»، فصلنامه راهبرد، شماره ۴۱.
۲۷. طباطبائی، محمد حسین، (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۸. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو.
۲۹. طبری، ابو جعفر محمد بن جریر، (۱۴۱۲ق)، جامع البیان فی تفسیر آی القرآن، بیروت، دار المعرفه.
۳۰. طریحی، فخرالدین حسین، (۱۳۶۳)، مجمع البحرین، تهران، نشر مرتضویه.
۳۱. طبیب، عبدالحسین، (۱۳۷۸ش)، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات اسلام.
۳۲. علی، جواد، (۱۹۷۰م)، المفصل فی تاریخ العرب، بیروت، دارالعلم للملایین.
۳۳. فخر رازی، محمد بن عمر، (۱۴۲۰ق)، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۳۴. فکوهی، ناصر، (۱۳۸۶)، تاریخ اندیشه و نظریه های انسان شناسی، تهران، نشر نی.
۳۵. فیومی، احمد، (۲۰۰۱م)، المصباح المنیر، بیروت، مکتبه لبنان ناشرون.
۳۶. قاضوی، حسن و دیگران، (۱۳۹۹)، «بررسی وجوه تمایز جاهلیت اولی و مدرن در قرآن، احادیث و روایات و نقش انقلاب اسلامی ایران در رفع جاهلیت مدرن»، پژوهش های انقلاب اسلامی، سال نهم، شماره ۳۲.
۳۷. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۵)، الکافی، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
۳۸. محمد قطب، (۱۳۸۴ق)، جاهلیة القرن العشرين، مکتبه وهبه.
۳۹. مطهری، مرتضی، (۱۳۸۱)، نظام حقوق زن در اسلام، چاپ سی و سوم، تهران، صدار.
۴۰. معارف، مجید، (۱۳۹۲ش)، شخصیت شناسی حضرت زهرا سلام الله علیها بر پایه کتاب و سنت، تهران، نشر مشعر.
۴۱. معین، محمد، (۱۳۷۸)، فرهنگ فارسی، تهران، موسسه انتشارات امیرکبیر.
۴۲. مودودی، ابوالاعلی، (۱۹۷۵م)، تفهیم القرآن، لاهور، ترجمان القرآن.

